

نحوه شهادت رئیسعلی دلواری

۵ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۳۸

رئیس علی در پاسخ مقامات انگلیسی می نویسد: "خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آن ها خارج از حیطه قدرت و امکان امپراطوری بریتانیای کبیر است. بدیهی است که در صورت اقدام آن دولت به جنگ با ما، تا آخرین حد امکان مقاومت خواهیم کرد."

رئیس علی دلواری فرزند رئیس محمد، کدخدای ده دلواری (۱) بود که در سال ۱۲۹۹ ه. ق متولد شد. او در عصر مشروطیت جوانی بیست و چهارساله، بلند همت، شجاع، در صدق و وفا بی مانند و در حبّ وطن کم نظیر و در توکل به خدا ضرب المثل بود. اگرچه سواد کامل و معلومات کافی نداشت، اما پاکی سرشت و صفات حمیده او طوری بود که زبانزد خاص و عام بود. رئیس علی بعد از این که قوای اشغالگر انگلستان بوشهر را به تصرف خود درآوردند با شجاعتی وصف ناپذیر به مقابله پرداخت و شکست سنگینی بر قوای انگلستان وارد کرد و در حین مبارزه با دشمنان اسلام و ایران، از پشت مورد هدف گلوله فرد خائنی قرار گرفت و در منطقه تنگک صفر، در بیست و سوم شوال ۱۳۳۳ ه. ق/ ۳ سپتامبر ۱۹۱۵، به شهادت رسید.

بوشهر و تاریخچه هجوم انگلیسی ها به آن

بوشهر از بنادر بزرگ و مهم ایران است که قریب به یک صد سال است، به عنوان مرکز بنادر جنوب کشور شناخته می شود. قبل از ورود دین اسلام به ایران، بندری به نام بوشهر اساساً وجود نداشته است و آبادی در دو فرسنگی سمت جنوب بوشهر در ساحل دریا بوده که آن جا را "ریشهر" می نامیده اند.

به قول مؤلفین "فارسنامه ناصری" و "گنج دانش"، بوشهر از زمان کریم خان زند رو به آبادی گذاشت و در زمان ناصرالدین شاه رو به عمران بیشتر گذاشت و از بنادر تجاری مهم محسوب شد. تا در سال ۱۲۷۳ ه. ق، که شهر هرات از طرف دولت ایران محاصره شد، انگلیسی ها که ترسیده بودند و برای انصراف ایران از تصرف هرات که کلید هندوستان شمرده می شد، سی فروند کشتی جنگی به خلیج فارس فرستادند و پس از جنگ با دلاورمردان تنگستان این بندر را تصرف کردند. (این درگیری بین باقرخان ضابط تنگستانی و پسر رشیدش احمدخان تنگستانی با چهارصد تفنگچی در قلعه ریشهر روی داد و احمدخان تنگستانی به همراه ۷۲ نفر شهید شدند.)

دومین هجوم قوای انگلستان به بوشهر

در آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) قوای روس از شمال و نیروهای انگلستان از جنوب، کشور ما را در معرض هجوم قرار دادند و کشتی های جنگی انگلستان در مقابل بوشهر لنگر انداختند و نیروهای اشغالگر در ۸ اوت ۱۹۱۵، برابر با ۱۷ مرداد ۱۲۹۴ (۲۶ رمضان ۱۳۳۳)، شهر بوشهر را به اشغال خود درآوردند. یک روز پس از اشغال بوشهر، چهارده نفر از ساکنین آن علیه اشغالگران

اعتراض کردند، ولی چون اهل جدال و اسلحه نبودند دستگیر و به هندوستان تبعید شدند.

"رئیس علی خان دلواری" و "شیخ حسین خان چاه کوتاهی" و "زایر خضرخان اهرمی" سه نفر خوانین دلیر تنگستان از این وقایع آگاه شدند و تصمیم گرفتند که علیه دشمن قیام و در مقام دفاع از وطن برآیند.

حدود دو ماه قبل از این که قوای انگلستان بوشهر را اشغال کنند، ژنرال کاکس کنسول انگلستان در خلیج فارس، نامه ای به مرحوم "شیخ محمد حسین برازجانی" روحانی متنفذ و مجتهد معروف دشتستان نوشت که جواب آن نامه انگیزه قیام رئیس علی دلواری آن قهرمان نامی ایران و اسلام شد.

کنسول انگلستان در این نامه از شیخ محمدحسین برازجانی خواسته بود که از نفوذ خود استفاده کند و از هر گونه آشوب و قیام علیه اشغالگران جلوگیری نماید. در این نامه تأکید شده بود که از دشمنی با دولت انگلستان هیچ سودی عاید ملت ایران نخواهد شد، بلکه در صورتی که ایرانیان وارد جنگ شوند، انگلستان یک سوم خاک ایران را به تصرف خود در خواهد آورد. شیخ، در پاسخ به این نامه تمام مصیبت ها را از طرف دولت انگلستان برشمرده و اعلام کرده بود که چنانچه عملیات انتقام جویانه علیه اشغالگران صورت پذیرد، مسئولیت آن بر عهده انگلیسی ها خواهد بود.

رئیس علی، در نامه های متعدد به شیخ محمدحسین برازجانی برای جهاد و قیام علیه قوای انگلستان کسب تکلیف می کند که سرانجام مرحوم شیخ صورتی از حکم جهادی که مراجع شیعه از نجف اشرف ارسال داشته بودند به ضمیمه حکم خود مبنی بر وجوب جهاد با کفار انگلیسی و جلوگیری از رخنه آن ها به بنادر جنوب و دشتستان و تنگستان و لزوم همکاری خوانین این مناطق و بسیج مردم مسلمان برای رفتن به میدان جنگ صادر می کند و برای همه خوانین می فرستد.

رئیس علی دلواری همین که از حکم جهاد مرحوم شیخ محمد حسین برازجانی و دیگر مراجع دینی آگاهی می یابد، آماده نبرد با امپراطوری انگلستان می شود و مقدمات کار را در خانه حاج سید محمد رضای کازرونی فراهم می سازد.

رئیس علی همراه دوستش خالو حسین دشتی در اوایل ماه رمضان ۱۳۳۳ هـ.ق، در عمارت حاج سید محمدرضا کازرونی، پس از مذاکراتی با وی آمادگی خود را برای دفاع از بوشهر و جلوگیری از پیشروی نیروهای انگلیسی اعلام می دارد.

رئیس علی پس از اظهار تشکر، قرآن مجید را می طلبد و همین که خادم قرآن می آورد برمی خیزد و تعظیم می کند و با احترام تمام آن را روی میز جلو خود می گذارد، آن گاه رو به حاضرین کرده و می گوید:

"ای کلام الله گفتار مرا شاهد باش. من به تو سوگند یاد می کنم که اگر انگلیسی ها بخواهند بوشهر را تصرف کنند و به خاک وطن من تجاوز نمایند، در مقام مدافعه برآیم و تا آخرین قطره خون من بر زمین نریخته است، دست از جنگ و ستیز با آنان

نکشیم و اگر غیر از این رفتار کنم، در شمار منکرین و کافرین به تو باشم و خدا و رسول از من بیزار شوند."

بعد از اشغال شهر بوشهر در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ هـ.ق، نیروهای انگلیسی قصد تصرف ناحیه دلوار را می کنند. دلوار محلی بود که پیش از آن چندبار سربازان انگلیسی به آن جا تجاوز کرده، اما طعم تلخ شکست را در این ناحیه چشیده بودند.

رئیس علی خان دلواری و شیخ حسین خان چاه کوتاهی و زایر خضرخان اهرمی از این وقایع آگاه و در مقام دفاع از وطن برمی آیند.

قیام دلیران تنگستان علیه اشغالگران آغاز می شود و نیروهای متجاوز انگلیسی که قریب به پنج هزار نفر بودند در دام دلیر مردان تنگستانی گرفتار می آیند و عده زیادی از متجاوزان انگلیسی در این حمله از بین می روند. قیام مردم تنگستان بر روی هم هفت سال طول می کشد و در این مدت دلیران تنگستانی دو هدف عمده را دنبال می کنند:

۱. پاسداری از بوشهر و دشتستان و تنگستان به عنوان منطقه سکونت خود.

۲. جلوگیری از حرکت قوای بیگانه به درون مرزهای ایران و دفاع از استقلال وطن.

رئیس علی دلواری که در حقیقت روح قیام شورانگیز مردم جنوب ایران به شمار می رفت و از حیث خصایص اخلاقی و نظامی بر سایرین تفوق داشت، قبل از این که زندگی را بدرود گوید، بارها مرگ خود را پیش بینی کرده بود تا این که سرانجام، در شب هجوم دشمن در ناحیه " تنگک صفر " هنگام شبیخون به دشمن از پشت سر توسط غلامحسین تنگکی در روز بیست و سوم شوال ۱۳۳۳ هـ.ق، به فیض شهادت نایل می آید.

درباره علل قتل رئیس علی به صراحت نمی توان چیزی گفت. چه وقایع نگاران و مورخان آن عصر به این موضوع اشاره نکرده اند. ولی غلامحسین تنگکی قبل از به شهادت رساندن رئیس علی خطاب به صاحب منصب انگلیس گفته است: " من تشنه خون رئیس علی هستم، چون جد او قاتل پسرعموی من است و مدت هاست که منتظر هستم با یک گلوله او را سوراخ کنم." رئیس علی سمبل مبارزه با استعمار

رئیس علی دلواری در مبارزه با استعمار چهره واقعی و ژرفای ایمان خود را نشان داد و به قیام خونین ضد اجنبی مردم نواحی دشتی، دشتستان و تنگستان رنگ خاصی بخشید.

روح استقلال طلبی و عشق به میهن و غیرت و حمیت وی از او شخصیتی به وجود آورده بود که آوازه جانبازی و فداکاری اش در سراسر ایران طنین افکند. وی نبرد علیه قوای مهاجم را وظیفه ملی و مذهبی خود می دانست و فعالیت های ضد انگلیسی او از این اعتقاد مایه می گرفت و تقویت می شد. رئیس علی قاطعانه تصمیم گرفت خود را فدای استقلال و تمامیت ارضی وطن کند. مقامات انگلیسی که اغلب با تزویر و نیرنگ و پرداخت رشوه و زر و سیم بر حریف چیره می شدند، پس از اتخاذ تصمیم قطعی درباره اشغال بوشهر و پیشروی به سوی شیراز به منظور تطمیع رئیس علی، دونفر از متابعان حیدرخان حیات داودی را به دلواری گسیل می دارند تا به زعم خود موافقت او را مبنی بر پیاده شدن قوای انگلیس در کرانه خلیج فارس و حرکت به سوی شیراز جلب کنند.

نمایندگان حیدرخان ضمن ملاقات با رئیس علی متذکر می شوند که چنانچه او از قیام علیه قوای اشغالگر صرف نظر کند، مقامات انگلیسی چهل هزارپوند به او خواهند پرداخت. رئیس علی با صراحت و شجاعت تمام می گوید: " چگونه می توانم بی طرفی اختیار کنم در حالی که استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار گرفته است؟"

پس از مراجعت نمایندگان حیدرخان که تیرشان به هدف مقصود اصابت نکرده بود، نامه تهدیدآمیز از طرف مقامات انگلیسی به رئیس علی نگاشته می شود مبنی بر این که:

" چنانچه بر ضد دولت انگلستان قیام و اقدام کنید، مبادرت به جنگ می نمایم، در این صورت خانه هایتان ویران و نخل هایتان را قطع خواهیم کرد."

رئیس علی در پاسخ مقامات انگلیسی می نویسد: " خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آن ها خارج از حیطه قدرت و امکان امپراطوری بریتانیای کبیر است. بدیهی است که در صورت اقدام آن دولت به جنگ با ما، تا آخرین حد امکان مقاومت خواهیم کرد."

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۰۷۷۸/دلوازی-رئیسعلی-شهادت-نحوه>